یادداشت

آنتی‌بیوتیک طیور و ماکیان چگونه بدن را در برابر دارو مقاوم می‌کند؟

فاطمه سلیمانی*

● امروزه یکی از مشکلات موجود در جامعه ما به مصرف زیاد آنتی‌بیوتیک برمی‌گردد که از طریق داروها یا باقی‌مانده آن در دام و طیور به بدن انسان وارد می‌شود. مصرف زیاد یا نابجای آنتی‌بیوتیک‌ها باعث می‌شود که موضوع مقاومت میکروبی در بدن انسان شکل بگیرد. آنتی‌بیوتیک‌ها جزء آن دسته از داروهایی هستند که وقتی بجا تجویز شوند؛ یعنی در شرایطی که بیمار به آن نیاز دارد، باید متناسب با هر عامل بیماری‌زا در مدت زمان متفاوتی باشد و میزان مصرف آن نیز به تشخیص پزشک بستگی دارد و به این معناست که مصرف آنتی‌بیوتیک باید دوره مشخصی را سپری کند تا عامل بیماری‌زا از بین برود. وقتی دارو کم یا نابجا مصرف شود یا اینکه مصرف آن طوری باشد که مناسب عامل بیماری‌زا نباشد، نه‌تنها آن عامل را از بین نمی‌برد؛ بلکه بدن مدام نسبت به دارویی که تجویز شده، از خود مقاومت نشان می‌دهد؛ یعنی بیماری در بدن تغییر شکل و جهش پیدا می‌کند و آن دارو در شرایط مشابه هم آن عامل بیماری‌زا را از بین نخواهد برد. این موضوع طبیعتا در شرایطی که بیمار در بیمارستان بستری می‌شود یا اینکه جزء بیماران خاصی باشد که دوره سالمندی یا کودکی را می‌گذراند، دوره بیماری را طولانی می‌کند. در خیلی از موارد وقتی بیمار در بیمارستان بستری می‌شود، حتی می‌تواند منجر به ازدست‌دادن جان فرد شود؛ چراکه بیماری که در بیمارستان بستری می‌شود، ناخودآگاه ضعیف‌تر از بیمار سرپایی است. در بیمارستان هم شرایط خاصی حاکم است و اگر همین رویه مصرف آنتی‌بیوتیک ادامه داشته باشد، دیگر آنتی‌بیوتیک قوی‌تری باقی نخواهد ماند که بر بیماری غلبه کند. اگرچه شایعات زیادی درباره عوارض مصرف بالای آنتی‌بیوتیک وجود دارد؛ اما واقعیت این است که مصرف زیاد به معنی تعداد زیاد نیست؛ بلکه به این معنی است که تا فردی سرما می‌خورد یا آنفلوآنزایی می‌گیرد، آنتی‌بیوتیک می‌خورد. این در حالی است که این دارو برای مبارزه با باکتری‌ها اختراع شده است؛ ولی عوامل بسیاری از بیماری‌هایی که ما به آن مبتلا می‌شویم، ویروس است و لازم نیست برای مبارزه با ویروس‌ها آنتی‌بیوتیک مصرف کنیم. بیشترین مشکلی که ما در مصرف نابجای آنتی‌بیوتیک‌داریم، این نوع آن است. دراین‌بین شرایط بیمارستان‌ها هم با محل زندگی فرد تفاوت دارد و به علت ضعیف‌ترشدن انسان در این محیط مصرف آنتی‌بیوتیک دقت بیشتری می‌خواهد. امروزه مصرف آنتی‌بیوتیک نابجا در کشور ما بسیار بالا است. با بررسی نسخه‌های پزشکی به این نتیجه رسیده‌ایم که در ۵۰ درصد از آنها آنتی‌بیوتیک تجویز شده است و این رقم بسیار زیاد است. دراین‌بین در شرایطی که به برخی از طیور ازجمله مرغ‌ها آنتی‌بیوتیک تزریق می‌شود، زمینه مقاومت بدن نسبت به آنتی‌بیوتیک را افزایش می‌دهد؛ چراکه وقتی به یک دام دارو تزریق می‌شود، باید یک دوره زمانی از روز تزریق این دارو تا ذبح آن مرغ و توزیع سپری شود؛ دوره‌ای که اصطلاحا به آن واش‌اوت می‌گویند؛ اما متأسفانه امروزه این دوره رعایت نمی‌شود؛ به‌همین‌دلیل برای همین در گوشت دام و طیور ما باقی‌مانده آنتی‌بیوتیک وجود دارد و این مسئله باعث می‌شود که از این طریق هم آنتی‌بیوتیک به بدن انسان اضافه شود. برای همین همان مشکلی که مصرف نابجای زیاد این دارو ایجاد می‌کند، از طریق مصرف مرغ یا گوشتی که آنتی‌بیوتیک دارد، در بدن انسان بروز می‌یابد.

*دبیر کمیته کشوری تجویز و مصرف منطقی دارو

ناصر فکوهی در گفت‌وگو با «شرق»:

برای توسعه راهی جز برقراری عدالت جنسیتی نداریم

عکس: آرشیو شاهنگی، مهر

کلمه عدالت جنسیتی مفهومی است که با تلاش بسیار در جلسات متعدد تدوین برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۳۸۸) در بند هـ از ماده ۹۹ این لایحه در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است. در ماده ۳۱ لایحه برنامه ششم توسعه آمده است: «به منظور تحقق اهداف مندرج در اصول دهم، بیستم و بیست‌ویکم قانون اساسی، اهداف سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی برنامه ششم مبنی‌بر «تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و استیفای حقوق شرعی و قانونی زنان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان» و نیز به منظور بهره‌مندی جامعه از سرمایه انسانی زنان در فرایند توسعه پایدار و متوازن، کلیه دستگاه‌های اجرائی موظف‌اند با سازماندهی و تقویت جایگاه سازمانی امور زنان و خانواده در دستگاه، نسبت به اعمال رویکرد عدالت جنسیتی در سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های خود و ارزیابی آثار تصمیمات خود در آن چارچوب، براساس شاخص‌های ابلاغی ستاد ملی زن و خانواده اقدام کنند». این ماده مناقشه‌برانگیز محل بحث‌های بسیاری قرار گرفت و پس از کش‌وقوس‌های فراوان، واژه عدالت جنسیتی با حفظ موازین اسلامی به تصویب رسید. دکتر ناصر فکوهی، انسان‌شناس و همچنین دانشیار گروه انسان‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، در گفت‌وگو با «شرق»، پس از اتفاقاتی که در مجلس و حول ماده ۳۱ لایحه برنامه ششم توسعه افتاد، ابعاد مختلف مفهوم عدالت جنسیتی را در جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی ترسیم و ضرورت وجود این دیدگاه را بیان کرده است که در ادامه خواهید خواند.

شما از منظر جامعه‌شناسی واژه عدالت و جنسیت را چطور تعریف می‌کنید؟

عدالت واژه‌ای است که ما در فارسی عموما در برابر واژه «justice» گذاشته‌ایم و به‌این‌ترتیب وزارت عدلیه داشتیم، بعدها هم این واژه را به «دادگستری» تغییر دادیم، اما باید توجه داشت که در مفاهیم علوم اجتماعی دو واژه «عدالت» و «برابری» عموما در کنار هم و در رابطه‌ای تنگاتنگ با هم به کار برده می‌شوند. منظور از هر دو واژه، انطباق‌دادن موقعیت‌های اجتماعی و شرایط کنشگران اجتماعی، به بیشترین میزان ممکن در هر زمان و هر مکان، با اخلاق و وجدان عمومی در برخورداری افراد آن جامعه از شانس‌های نزدیک یا برابر با هم برای بهبود وضعیتشان در چارچوب‌های خاص همان جامعه است؛ وضعیتی که هم از نظر جامعه پذیرفته باشد و هم از نظر افراد. این کار لزوما کار ساده‌ای نیست، زیرا دیدگاه کنشگران به صورت فردی و جامعه که یک موقعیت حقوقی و اجتماعی است و همیشه بحث اکثریت و اقلیت‌ها در آن مطرح است، با یکدیگر انطباق ندارند، اما به هر رو باید توجه داشت که کنشگر فردی بدون موقعیت اجتماعی نمی‌تواند وجود داشته باشد، همان‌گونه که موقعیت‌های اجتماعی و جوامع، حاصل گردهم‌آمدن کنشگران فردی و تعامل میان آنها هستند، بنابراین جامعه‌ای که نخواهد یا نتواند بین منافع و علایق و سلیقه‌ها و روش‌های این دو گونه عاملیت، انطباق و هماهنگی و همسازی به وجود بیاورد، با مشکلات زیاد و گاه با بحران‌های شدیدی روبه‌رو خواهد شد.

عدالت جنسیتی در این معنا به مفهوم وجود شرایطی است که زنان که نیمی از جمعیت هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند، از حقوق و امکانات مشابهی یا تا حد ممکن یکسانی با مردان برخوردار باشند. این امر بسیار اهمیت دارد؛ زیرا زنان، افزون بر اینکه نیمی از شمار جامعه هستند، به دلیل موقعیتشان در خانواده به‌عنوان همسر و مادر، نقش عظیمی در وضعیت عمومی هر جامعه دارند. جامعه‌ای که زنان در آن وضعیت نابسامانی داشته باشند، زیر فشار باشند یا از حقوق مناسبی برخوردار نباشند یا با آنها بدرفتاری شود، بدون‌شک جامعه‌ای مسئله‌دار خواهد بود؛ زیرا این مشکلات به فرزندان و از آنجا به کل جامعه منتقل خواهد شد. بنابراین عدالت جنسیتی نه‌فقط برای زنان بلکه برای کل جامعه ضروری است. این امر به حدی روشن است که سازمان ملل در شاخص‌های توسعه انسانی، وضعیت زنان هر کشور را یکی از شاخص‌های بسیار مهم اندازه‌گیری توسعه آن کشور به حساب می‌آورد.

اگر بخواهیم از دیدگاه تئوریک به شاخص‌سازی برای عدالت جنسیتی بپردازیم، چه می‌توانید ترسیم کنید؟

شاخص‌سازی‌ها انجام شده‌اند و امروز تا حد زیادی مورد توافقِ هم دولت‌ها و هم سازمان‌های مدنی هستند و همان‌طورکه گفتم، این شاخص‌ها را ما در مجموعه شاخص‌های توسعه انسانی سازمان ملل می‌یابیم. تعداد شاخص‌ها زیاد هستند، اما مهم‌ترین آنها به موارد زیر مربوط می‌شوند: برابری زنان در سوادآموزی و تحصیلات ابتدایی، متوسطه و عالی، جلوگیری از ازدواج زودهنگام زنان و همچنین ازدواج‌های اجباری و بدون تمایل آنها، امکان زنان از برخورداری از تسهیلات پزشکی و تصمیم‌گیری درباره بدن خود و فرزندشان، به‌خصوص در مواردی که به بارداری مربوط می‌شود (مثلا امکان ازمیان‌بردن بارداری‌های ناخواسته در صورت نبود مشکل پزشکی)، آزادی زنان برای حضور در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و کمک به این حضور از طریق وضع قوانینی که بتواند آن را در عمل امکان‌پذیر کند، جلوگیری از دخالت جنسیت در استخدام و فشارهای جنسیتی در محیط کار یا در عرصه عمومی، جلوگیری از سوءاستفاده جنسی و حرفه‌ای، مبارزه با هرگونه فشار و خشونت مردانه علیه زنان، چه در خانواده و چه بیرون از آن و ... این شاخص‌ها همگی برای آن وضع شده‌اند که جامعه‌ای متعادل داشته باشیم که در آن زنان از حقوق و موقعیت اجتماعی مطلوب برای رشد و تعالی‌یافتن برخوردار شده و از آن طریق جامعه نیز بتواند رشد کند.

در نظریات جامعه‌شناسی و فلسفه، عدالت اجتماعی چطور تعریف شده است؟

عدالت اجتماعی را می‌توان به صورت‌های مختلفی تعبیر کرد. در فلسفه، اگر از گروه‌هایی که به نابرابری، سلسله‌مراتب اجتماعی و تفاوت «نژادها» و جنسیت‌ها و نیاز و ضرورت تبعیض باور دارند و مسبب جنایات بزرگی همچون استعمار، برده‌داری و امروز روابط سلطه کشورهای پیشرفته بر کشورهای درحال‌توسعه هستند، بگذریم، اغلب فیلسوفان اخلاق، تعادل و برابری را بهترین راه‌حل برای پایداری و ثبات و آرامش جوامع انسانی می‌دانند. البته منظور از برابری، برابری مطلق نیست، زیرا نه زنان و مردان، نه افراد پیر و جوان، نه گروه‌های دیگر اجتماعی به دلایل متفاوت جسمانی، تربیتی و ... نمی‌توانند مطلقا برابر باشند؛ منظور، برابری در شانس‌هایی است که یک جامعه به افراد برای رشد سالم می‌دهد. در علوم اجتماعی تاکیدی که فارغ از ابعاد اخلاقی و عدالتی در این امر وجود دارد، بر جنبه‌های مثبتی است که رفتارهای عدالت‌جویانه و برابرطلبانه در ثبات جامعه، دورکردن آن از تنش و خشونت دربر دارند. وقتی در جامعه بتوانیم به طور نسبی عدالت ایجاد کنیم؛ یعنی مثلا از لحاظ اقتصادی حجم طبقه متوسط درآمدی را به بالاترین حد برسانیم و برعکس دو گروه فقیر و ثروتمند را به حداقل کاهش دهیم، در آن جامعه ثبات ایجاد می‌شود و همه از این ثبات بهره‌مند می‌شوند؛ از جمله ثروتمندان. برعکس وقتی در جامعه حجم فقرا بسیار زیاد و حجم طبقه متوسط کوچک شود و یک اقلیت ثروتمند همه‌چیز را به خود اختصاص دهد، مثل وضعیتی که امروز نولیبرالیسم در جهان به وجود آورده، همه در معرض تهدید خواهند بود؛ از جمله خود ثروتمندان. همین را درباره عدالت جنسیتی هم می‌توان گفت: جامعه آرمانی جامعه‌ای است که در آن بیشترین برابری ممکن از لحاظ فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی میان زنان و مردان وجود داشته باشد؛ یعنی هیچ زنی و مردی احساس نکند به دلیل زن یا مردبودن حقی از او ضایع شده است. البته این امر تقریبا همیشه درباره زنان صادق است؛ چون اکثریت قریب‌به‌اتفاق جوامع انسانی از ابتدا تا امروز، مردسالار بوده‌اند؛ بنابراین در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی باید توجه داشته باشیم که هر جا می‌توانیم به عدالت جنسیتی نزدیک شویم. این نکته مهم را نیز از یاد نبریم که این عدالت نمی‌تواند صرفا به خودی خود و در روند طبیعی رشد جامعه به وجود بیاید، بلکه باید برای آن از قوانین و سازوکارهای خاص استفاده کرد؛ برای مثال درحال‌حاضر ما در آموزش به عدالت نسبتا خوبی از لحاظ جنسیتی رسیده‌ایم، ولی در بازار کار حضور زنان بسیار ضعیف است، برای آنکه این امر را جبران کنیم، باید وارد سیستم‌های سهمیه‌بندی (یا تبعیض مثبت) شویم و برای زنان سهمیه‌های ویژه قائل شویم. همین را در حوزه سیاست هم می‌توان گفت که حضور زنان در آن ضروری و بسیار مفید است. اما به خودی خود اتفاق نمی‌افتد؛ از این لحاظ در چند دهه اخیر کشورهای در حال توسعه، نظیر هند و کشورهای توسعه‌یافته، نظیر فرانسه و بریتانیا اقدامات مهمی کرده‌اند که به عدالت جنسیتی دست یابند. ما باید به‌شدت از الگوهایی که کشورهای عربی جنوب خلیج فارس در این زمینه ارائه می‌دهند و حامل گرایش‌های وهابی و سلفی هستند و چهره‌ای نادرست و عقب‌افتاده از اسلام و مسلمانان ارائه می‌دهند، فاصله بگیریم و برعکس نشان دهیم راهبردها و روش‌های اسلامی که اکثریت مسلمانان جهان به آنها پایبند هستند، با رشد زنان و وضعیت بهتر آنها، نه‌تنها تضادی ندارند، بلکه می‌توانند در پیشبرد آنها کمک‌های مؤثری کنند.

آیا می‌توان عدالت جنسیتی را ذیل عدالت اجتماعی قرار داد؟

بدون شک؛ زیرا عدالت جنسیتی یک سیاست اجتماعی است که به ثبات جامعه کمک می‌کند و سبب می‌شود با عبور از تنش و بحران بتوان برای جامعه برنامه‌ریزی‌های درازمدت‌تری انجام داد. عدالت جنسیتی خانواده را به عنوان یکی از ارکان اساسی جوامع مدرن تقویت می‌کند و از آن زمینه‌ای مناسب برای رشد انسان‌هایی می‌سازد که در سازگاری بیشتری با هم‌نوعان خود قرار دارند و ازاین‌رو برنامه‌ریزی اجتماعی را تسهیل می‌کند.

متفکران اجتماعی و فلسفه چه دیدگاهی به تفاوت تعریف جنس و جنسیت دارند؟

اگر از دوران باستان و پیش از صنعتی‌شدن بگذریم که خود بحثی جداگانه می‌طلبد، در این مورد موج‌های متعددی داشته‌ایم که از قرن ۱۹ با ورود زنان به عرصه اقتصادی در کشورهای صنعتی شروع شده است. در موج‌های نخست مفهوم برابری و عدالت جنسیتی در معنایی مطلق دیده می‌شد؛ یعنی این تمایل وجود داشت که ما به طرف جوامعی برویم که در آنها جنسیت تعیین‌کننده هیچ‌چیز نباشد و به عبارتی جنسیت یک امر «خصوصی» و «شخصی» به حساب بیاید که در جامعه به آن توجه نشود و به همه انسان‌ها فارغ از جنسیت‌شان به یک چشم نگاه شوند. همان‌گونه که مثلا درباره مفهوم «نژاد» این اتفاق افتاد، یعنی قوانینی وضع شد که نژاد در هیچ کجا نباید معیاری برای تفاوت در روابط اجتماعی باشد. درباره جنسیت اما، بعد از امواج نخستین عدالت‌خواهی، مطالعات انسان‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی و... نشان دادند تفاوت‌هایی واقعی میان زنان و مردان وجود دارد که نباید آنها را نادیده گرفت و رفتن به طرف جوامعی که در آنها «جنسیت» وجود نداشته باشد یا نادیده گرفته شود، هم بی‌معناست و هم ناممکن؛ ازاین‌رو در این نظریات موقعیت «زنانگی» و موقعیت «مردانگی» به‌رسمیت شناخته می‌شوند، اما تلاش بر آن است این دو موقعیت با یکدیگر سازش داده شوند و هماهنگ و همساز شوند. این تقریبا همان اتفاقی است که درباره موقعیت‌هایی مثل جوانان و افراد مسن، یا برای نمونه گروه‌های درآمدی متفاوت در جامعه اتفاق افتاده است. از این لحاظ برابری و عدالت جنسیتی باید بنا بر هر فرهنگ و موقعیت و زمان و مکانی، برنامه‌ریزی و هدایت شود و در زمینه شاخص‌ها نیز باید انعطاف داشت. مهم آن است که خود زنان بتوانند به اندازه کافی و لازم در این زمینه نظارت و کنترل و حق دخالت و تصمیم‌گیری داشته باشند. استفاده از انجمن‌های مردم‌محور در این حوزه بسیار مفید بوده است؛ یعنی جامعه مدنی است که می‌تواند به ما در ایجاد و تثبیت عدالت جنسیتی کمک کند.

با توجه به اینکه قرار است در دولت یازدهم گفتمان عدالت جنسیتی در برنامه ششم توسعه محقق شود، شما به عنوان استاد جامعه‌شناسی، پرداختن به مسئله عدالت جنسیتی در برنامه‌ها و قوانین کشوری را تا چه اندازه ضروری می‌دانید؟

من این امر را بسیار ضروری می‌دانم. در شرایطی که دولت‌های سلطه‌گر جهان توسعه‌یافته در حال گسترش و تبلیغ ایدئولوژی‌های اسلام‌هراسی هستند تا بهتر بتوانند مردم خود و جهان را درباره سیاست‌های سرکوب‌گرانه خویش متقاعد کنند...

ادامه در صفحه ۱۷

گزارش

لانتوری؛ اسیدپاشی هنری به حقیقتِ بخشش آمنه بهرامی

مهدی سجودی‌مقدم
نویسنده کتاب زندگی و خاطرات آمنه بهرامی

● چند روزی از نمایش «لانتوری» نگذشته بود که شناخته‌شده‌ترین قربانی اسیدپاشی در ایران و جهان، آمنه بهرامی‌نوا، به ساخت این فیلم، بی‌اعتنایی دست‌اندرکاران فیلم به هویت اجتماعی او، تضییع حقوق قانونی و جفا و سوخته‌شدن دوباره‌اش اعتراض کرد.

در این مختصر قصد ندارم از حقوق ضایع‌شده آمنه، لغو قرارداد ساخت فیلم اصلی زندگی‌اش در خارج از کشور و خسارت بسیار سنگین و... دفاع کنم؛ آمنه ستمدیده و مظلوم، به گواه تلاش تحسین‌آمیزش و به شهادت تقریبا یک دهه ایستادگی، آن‌قدر پراراده و جنگجو هست که برای احقاق حقوقش، حتی اگر برآورده نشود، با همه توان مجروح و سوخته‌اش بایستد و در قامت رشید و شرزه زنان اسطوره‌ای و نام‌آور ایران‌زمین، از حقوق حقه خویش دفاع کند. قصد هم ندارم به بررسی درون‌مایه سست، سرهم‌بندی‌شده، غیرمنطقی و کلیشه‌ای فیلم، ژست‌های گول‌زننده چپ‌گرایانه و پرداخت بسیار ضعیف، خام و ناشیانه موضوع قصاص و بخشش، یعنی یک‌سوم پایانی فیلم که تازه نقطه قوت آن بوده، بپردازم. آن را هم باید به کسانی واگذار کرد که فرصت و دانش کافی برای این کار دارند.

اما من از موقعیت کسی صحبت می‌کنم که با جزئیات زندگی آمنه آشناست، از همه سختی‌ها و رنج‌های طاقت‌فرسایش باخبر است و براساس ۷۵ ساعت روایت شفاهی او و صدها ساعت گفت‌وگو و مصاحبه با او، اعضای خانواده، اطرافیان و کادر پزشکی او در خارج از کشور، مشروح خاطرات و زندگی‌اش را در کتابی هزارصفحه‌ای با عنوان «چشم در برابر چشم» نوشته است. حیرت، تأسف و افسوسِ من، قبل از هر چیز، به همه دست‌اندرکاران ریزودرشت لانتوری برمی‌گردد که با چراغ هنر و دفاع از قربانیان خشونت و اسیدپاشی، ستم و خشونتی آشکار را نسبت به جنجالی‌ترین قربانی اسیدپاشی رواداشته‌اند؛ آمنه بهرامی‌نوا که موفق به گرفتن حکم قصاص از محاکم قضائی ایران شد و درنهایت و در کمال قدرت و توانایی، مجرم جنایت‌کار اسیدپاش را بخشید و برگ زرینی از گذشت و انسانیت در تاریخ بشریت ثبت کرد؛ آمنه که با وجود مشقت‌های فراوان، بی‌پولی، بدبختی و حتی زندگی در خانه آوارگان خیابانی در اسپانیا دست از روش اصول‌گرایانه‌اش برنداشت و کلمه‌ای علیه منافع ملی و مردمش نگفت، آمنه که در مراحل پروقفه درمانش گاهی اوقات محتاج پول یک بطری آب بود، اما وعده تطمیع هیچ جریان و سازمانی را نپذیرفت.

به‌راستی نمی‌دانم بر این تجاهل، حق‌پوشی و نادیده‌انگاری واقعیتی به‌غایت آشکار چه نامی می‌توان گذاشت! کتاب خاطرات آمنه در سال ۱۳۹۱ در ایران به چاپ رسید، اینک چهارمین چاپش را نیز پشت‌سر گذاشته و تا اینجا به پنج زبان زنده دنیا ترجمه شده است. خلاصه زندگی‌اش در کتاب دیگری به نام «فصل سبز رستن» در حدود ۴۰۰ صفحه در سال ۱۳۹۴ منتشر شده. هزارها صفحه در رسانه‌های ایران و جهان درباره آمنه گزارش و مطلب نوشته‌اند. موتور جست‌وجوی گوگل در زبان‌های مختلف بیش از ۲۸۵ هزار مدخل را به آمنه اختصاص داده است.

ادامه در صفحه ۱۷

جدول ۲۶۳۹ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- روز دهم ذی‌الحجه که روز تجلی عبودیت و بندگی است- فیلمی دیدنی با بازی استیو مک‌کوئین ۲- چه بسیار - مهم‌ترین محصول زراعی شمال کشور- از فلاسفه نامی قرن نوزدهم و نویسنده اصول علوم اجتماعی ۳- برکنار شده از مقام و قدرت- اجراکننده- نام آذربایجانی ۴- رفوزه- غمخواری ۵- یاری رساندن- سیاست‌مدار مشهور ژاپن در قرن بیستم- بدون آستر ۶- دستبند زنانه- لبخند ملیح- ضمیر محترمانه ۷- شیرینی تولد- از ملزومات ماهیگیری- گوسفند استرالیایی ۸- ما نگوییم... و میل به ناحق نکنیم- از گل‌های زیبای آپارتمانی- حرف آزاردهنده ۹- از سازهای زهی- ماه گرفتگی- پیش مقدمه مکالمه تلفنی ۱۰- سنگ سبز قیمتی شبیه عقیق- سروش آسمانی- ظالم و ستمکار ۱۱- سخن سنج- اهل نفاق- تخت پادشاهی ۱۲- شهری در استان ایلام- سرزمین خون و قیام ۱۳- رطوبت- حرکت و جنبش- شهری در گیلان ۱۴- نیکبخت- پناهگاه- شهری در ایالت تورینگن آلمان ۱۵- مایع مشتقی از خون که نسبت بخش مایع آن به سلول‌های خونی بیش از حد طبیعی است- ساختمان چند طبقه.

عمودی:

۱- هشتادمین سوره قرآن کریم- ویروس تب کریمه کنگو- تجمع گاز در لوله گوارش ۲- درخت تسبیح- درآمد- فرمانی نظامی ۳- کشور اروپایی در همسایگی آلمان و دریای شمال- حالتی مخصوص زن باردار- انبار کشتی ۴- دسته- عاشق- به دنیاآوردن ۵- دزدیدن- قائم به ذات- عجله و تندی ۶- تفنگ قدیمی- اختراع گراهام بل- روستای کوچک ۷- ضمیر اشاره- کدخدا- فریاد شادی ۸- ستاره- واحد اندازه‌گیری توان- روکار ساختمان ۹- شهری در استان فارس- برجستگی زیر کفش فوتبال- عکس‌پا! ۱۰- شهری در ایتالیا- ترسناک- بدنام ۱۱- باز را خنثی می‌کند- بزرگوار- مأمور تقسیم آب در مزارع ۱۲- تکرار حرفی- علم شعبده‌بازی- بافنده ۱۳- پول ژاپن- مغازه- پیامبری ملقب به خلیل‌الله ۱۴- اسباب و لوازم- پارچه کم‌عرض تزیینی پرده- انجام‌دهنده ۱۵- تنه درخت- دانشگاه معروف انگلستان - گودال.

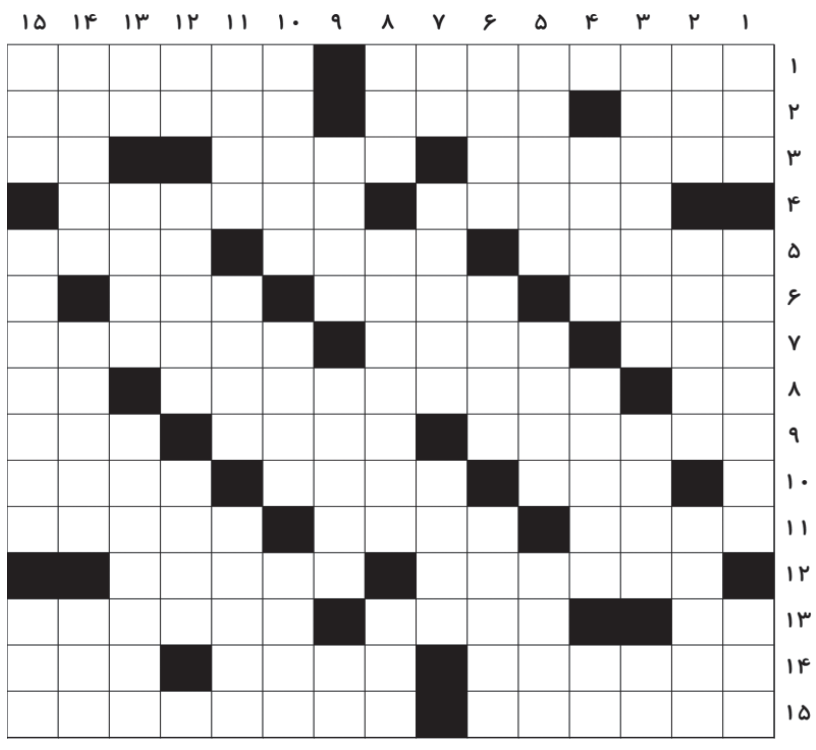

حل سودوکو سخت

۹	۸	۱	۶	۲	۴	۵	۳	۷
۷	۲	۴	۵	۳	۱	۹	۶	۸
۳	۵	۶	۹	۸	۷	۴	۱	۲
۸	۴	۹	۱	۷	۵	۳	۲	۶
۲	۶	۷	۸	۴	۳	۱	۹	۵
۵	۱	۳	۲	۹	۶	۸	۷	۴
۴	۷	۲	۳	۵	۹	۶	۸	۱
۱	۳	۵	۷	۶	۸	۲	۴	۹
۶	۹	۸	۴	۱	۲	۷	۵	۳

حل سودوکو ۱۶۳۵

۶	۲	۴	۱	۷	۳	۹	۸	۵
۱	۵	۹	۶	۲	۸	۴	۳	۷
۷	۸	۳	۵	۹	۴	۶	۱	۲
۳	۶	۵	۹	۱	۲	۷	۴	۸
۹	۴	۲	۷	۸	۵	۱	۶	۳
۸	۷	۱	۳	۴	۶	۲	۵	۹
۵	۱	۶	۲	۳	۷	۸	۹	۴
۲	۹	۸	۴	۵	۱	۳	۷	۶
۴	۳	۷	۸	۶	۹	۵	۲	۱

جدول ۲۶۳۸

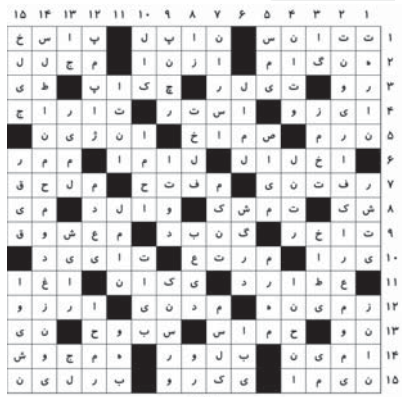

سودوکو سخت ۱۶۳۶

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۴	۵	۱					۸	
۹			۱			۵		۳
۳		۸	۲		۵			
۱		۳		۲				
		۷				۶	۹	
۵			۴			۳		
			۷				۶	۲
۷						۸		۴
۶			۹		۴			

سودوکو ۱۶۳۶

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۴	۱			۸			۵
		۲	۵	۶			۹	۸
	۵			۴			۱	۲
		۷	۴		۶			۹
	۹	۶		۵	۳	۲		
۸		۳	۹		۲			
	۳		۶	۹		۸	۷	
			۲		۷	۵		۶
۷		۵		۱	۴		۲	